

بررسی روند تغییرات نقش و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر

حاضر (مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، درمیان، سربیشه)

مفید شاطری*، راضیه آرزومندان**

چکیده: زنان به عنوان نیمی از جمعیت مؤثر جامعه، همواره در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حضوری فعال دارند. عرصه وقف به عنوان یکی از صحنه‌های حضور زنان، کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. در محدوده استان خراسان جنوبی انگیزه‌های گوناگونی برای وقف اموال در بین بانوان وجود دارد. در این منطقه همچون سایر نقاط کشور، زنان بخشی از اموال خود را در دوره‌های گوناگون صرف انجام امور خیریه نموده‌اند که این امر از یک سو نشان‌دهنده حس خیرخواهی و از سوی دیگر نشانگر موقعیت و استقلال مالی زنان می‌باشد. در دوره صفویه که مبدأ جدیدی در پدیده وقف در تاریخ ایران است و در دوره‌های پس از آن تا انقلاب اسلامی ایران، همواره وقف اموال و املاک توسط بانوان نیکوکار وجود داشته است. در پژوهش حاضر که بر اساس مطالعات اسنادی شکل گرفت، بررسی‌ها نشان داد بیشتر واقفین زن در محدوده پژوهش، در دوره قاجاریه و بیشترین کاربرد وقف اموال آنان بر تعزیه حضرت سیدالشهداء بوده است؛ البته روند رو به کاهش آن از دوره صفویه تا عصر حاضر مشهود بود.

واژه‌های کلیدی: نهادهای فرهنگی و اجتماعی، موقوفات زنان، خراسان جنوبی.

مقدمه

در میان اقوام و ملل مختلف، اختصاص بخشی از دارایی‌های شخصی جهت مصارف خیریه وجود دارد اما در فرهنگ اسلامی به جهت صبغه الهی و مذهبی آن، پدیده وقف جایگاه متمایزی را داراست. در ایران در طول

mshateri@birjand.ac.ir

arezou_1390@yahoo.com

* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه بیرجند

** دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۵

Archive of SID

ادوار گوناگون، از دوره قبل از اسلام تاکنون همواره این امر نیک، ساری و جاری بوده است؛ لیکن از دوره صفویه که می‌توان آن را نقطه عطفی در توجه به پدیده وقف دانست، شکل مشخص‌تری به خود می‌گیرد. در این میان زنان نیکوکار همچون مردان، در به جا آوردن این سنت حسنه پیشگام بوده و سرمایه‌های خود را بر مراسم تعزیه امام حسین (ع)، اطعام عزاداران، کمک به فقرا، کمک به ایجاد مکتب‌خانه‌ها، مدارس و حوزه‌های علمیه، مراکز درمانی و... وقف نموده‌اند.

نمونه‌هایی معدود از مطالعات محققین در زمینه وقف بانوان نشان می‌دهد اگرچه زنان در ادوار گوناگون تاریخی در انجام امور خیریه و سنت حسنه وقف همپای مردان پیش رفته‌اند اما کمتر به اهمیت و دلایل این امر و چرایی و چگونگی و تأثیرات آن در جامعه پرداخته شده است.

خسروی (۱۳۷۴)، در مقاله موقوفات زنان در ایران، به سنت حسنه وقف در میان بانوان نیکوکار ایرانی اشاره دارد و با توجه به آمار موجود، ضمن بررسی حس نوع‌دوستی، عاقبت‌اندیشی و استقلال مالی بانوان ایرانی، مطالعه تطبیقی از استقلال مالی زن مسلمان ایرانی با زنان اروپایی را تا اوایل قرن بیستم به دست می‌دهد.

احمدی (۱۳۷۶)، در مقاله وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی ضمن بررسی چند موقوفه مهم متعلق به زنان در اصفهان بیان می‌دارد که نزدیک به یک‌ششم از اسناد وقف‌نامه‌های موجود در اداره اوقاف اصفهان، به بانوان نیکوکار و خیر تعلق دارد. همچنین وی در مقاله‌ای با عنوان دو وقف‌نامه از دو زن، شرح وقف‌نامه دو زن در دوره صفوی به نام زبیده بیگم و گوهرشاد خانم را آورده است.

ورنر (۱۳۷۸) نیز در مقاله زنان واقف در تهران عهد قاجار، به مقوله وقف زنان می‌پردازد.

یزدی‌مطلق (فاضل) (۱۳۸۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن، به بررسی مصارف آن پرداخته است.

طلایی (۱۳۸۰) در مقاله دو موقوفه از زنان خاندان علم، به شرح دو وقف‌نامه، یکی مربوط به مادر امیرعلم خان سوم-حشمت‌الملک- و دیگری والده محمد ابراهیم علم می‌پردازد.

اسدپور (۱۳۸۲)، در مقاله بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف، به معرفی قدیمی‌ترین و جدیدترین وقف‌نامه‌های استان که مربوط به بانوان است اشاره دارد.

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۷

Archive of SID

شاطری و جعفرزاده (۱۳۸۷)، در مقاله نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی-فرهنگی، با اشاره به کهن بودن سنت وقف در خراسان جنوبی، زنان واقف و انواع موقوفات آن‌ها را در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند.

احمدی (۱۳۸۸) در مقاله نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف (تحلیلی بر وقف‌نامه مادر شاه سلیمان)، به این موضوع اشاره دارد که این بانوی درباری برای نجات فرزند بیمار خود و ادای نذر، تمام اموال وقفی خود را بر عتبات عالیات وقف نموده است. متن وقف‌نامه و شرحی در خصوص تولیت موقوفات مرحوم انیس‌الدوله نیز به کوشش دبیرسیاقی (۱۳۸۴) به رشته تحریر در آمده است.

اکثر پژوهش‌ها در خصوص واقفان زنی است که وابسته به خاندان امراء و حاکمان بوده‌اند و پژوهشی که در خصوص توده زنان واقف ایرانی باشد، کمتر انجام گرفته است. پژوهش حاضر از اولین نمونه‌ها از این حیث می‌باشد که از نظر تعداد نیز حجم بالایی از اسناد (۲۰۶ سند) را مورد بررسی قرار داده است. این نگرش می‌تواند متمایزکننده این پژوهش از دیگر مطالعات باشد. وقف در خراسان جنوبی دارای پیشینه‌ای کهن است و ریشه در حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این دیار دارد. تعدد موقوفات و رقبات در این خطه، تأییدی بر این امر است. در محدوده خراسان جنوبی حدود ۳۳۹۶ موقوفه و نزدیک به ۱۰۰۰۰ رقبه وقفی وجود دارد. سؤال اصلی پژوهش، بررسی این مسأله است که در محدوده مورد مطالعه، زنان در چه حوزه‌هایی به وقف اموال خود پرداخته و سیر تحول آن به لحاظ کمی و کیفی از دوره صفویه تاکنون چگونه بوده است؟

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر را می‌توان از نظر روش‌شناسی در رده تحقیقات توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی محسوب کرد که بر مبنای اسناد موجود و در دو بخش کتب و مقالات در دسترس، در زمینه وقف و اسناد وقفی اعم از وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، حبس‌نامه‌ها، استشهادیه و ... تهیه گردیده است. بخش اعظم اطلاعات، مستخرج از اسناد وقفی است که توسط نگارندگان مورد بازخوانی قرار گرفته است. محدوده زمانی تحقیق از ۹۲۰ هجری قمری (دوره صفوی) تا سال ۱۳۸۹ می‌باشد.

محدوده جغرافیایی تحقیق

محدوده جغرافیایی تحقیق شامل شهرستان‌های بیرجند، سربیشه و درمیان است که بیشترین تعداد موقوفات استان خراسان جنوبی در آن متمرکز شده است.

وقف و نهادهای وقفی زنان در تاریخ ایران

وقف در لغت به معنی ایستادن، درنگ کردن، سکون و اقامت کردن به کار رفته و بر اساس ماده ۵۵ قانون مدنی، وقف عبارت از حبس عین مال و تسبیل منافع آن است. به این ترتیب هرگونه نقل و انتقال آن مانند خرید و فروش، رهن، جابه‌جایی، میراث گذاشتن و بخشیدن مال وقفی ممنوع است.

مراد از امور خیریه، افعالی است که طی آن نفعی به غیر می‌رسد. در ابواب فقهی موضوعاتی مانند هبه، وصیت، صدقه، نذر، حبس، سکنی و... از این دسته‌اند. در وقف، خیرین امکان تأسیس نهادی را دارند که برای همیشه، مستقل از مالک به حیات اقتصادی و انتفاعی خود ادامه می‌دهد ولی در سایر امور خیریه، مالی به غیر منتقل می‌شود و در نهایت به مصرف می‌رسد (لطیفی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹-۱۱).

به موجب شرع و شرط واقف، مندرج در وقف‌نامه، منافع و درآمد بخش اعظم املاک و اموال موقوفات عام برحسب اختیار و نظر متولی یا متصدی شرعی وقف، به تأمین اهداف مقرر واقف و به مصرف مصالح عمومی و جهت اداره امور، گسترش، رواج و پیشرفت مؤسسات فرهنگی و دینی (مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و ...) و به ویژه مؤسسات عام‌المنفعه دیگر نظیر بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها، مشاهد و مقابر و سایر مقاصد خیریه و منظوره‌های اقتصادی، بزرگداشت و گرامی‌داشت و دوام مراسم مذهبی اختصاص دارد (مؤمنی، ۱۳۶۴: ۲۶).

موقوفات زنان نیکوکار در زمینه‌های گوناگون وقف اموال بر تعزیه حضرت سیدالشهداء (ع)، کمک به مدارس طلاب علوم دینی، کمک به فقرا، ساخت حمام، روشنایی معابر و... بوده است. در مجموع پس از دوره صفوی و در ادامه در دوره قاجار، وقف و تشکیلات آن رو به فزونی بوده و زنان نیز در عرصه وقف حضور فعال داشتند؛ به عنوان شاهد، نزدیک به یک ششم از اسناد وقف‌نامه‌های موجود در اداره اوقاف اصفهان به بانوان خیر و نیکوکار تعلق دارد (احمدی، ۱۳۷۶: ۹۷).

بررسی اسناد وقفی آستان قدس رضوی نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین موقوفه زنان متعلق به بیگم آغا خانم ذوالفقار است که در سال ۹۹۷ هجری قمری تمامی موضع سلیمان‌آباد قزوین را وقف بر آستان قدس رضوی نمود (شاطری و جعفرزاده، ۱۳۸۷: ۸۷).

در محدوده مورد مطالعه یعنی شهرستان‌های بیرجند، سریشه و درمیان، موقوفات زنان مربوط به دوره صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی و همین‌طور بعد از انقلاب اسلامی است. بیشترین تعداد وقفیات مربوط به دوره قاجار و در زمینه تعزیه حضرت سیدالشهداء (ع) است.

رویکرد فرهنگی وقف

گسترش جنبش اوقاف در امور خیریه از اوائل سده سوم هجری آغاز شد و در پی آن تأسیس مدارس خصوصی و پس از آن دولتی، نقطه عطف و مرحله تحولی در زندگی دانش‌پژوهان و آغاز یک دوره نوین در امر آموزش و پژوهش بوده است (مرتضوی کاخکی و برامکی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۰). مروری بر موقوفات نشان می‌دهد که بخش اعظمی از آن‌ها به مراکز علمی و آموزشی همچون دانشگاه‌ها، مدارس، مراکز تحقیقاتی و... اختصاص دارد که از رویکردهای فرهنگی نهاد وقف حکایت می‌کند (امام جمعه زاده، ۱۳۷۹: ۷۰).

در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی که در دوره صفوی به ایران آمده‌اند در خصوص مدارس آن دوره و امور مربوط به پشتوانه‌های مالی و وقفیات آن مطالبی دیده می‌شود. چنان که کمپفر که در دوره شاه سلیمان صفوی به اصفهان مسافرت کرده است از تشکیلات مهم وقفی همچون صدر، مستوفی موقوفات، متصدی موقوفات و وزیر موقوفات نام می‌برد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۲-۱۲۱). تاورنیه نیز در همان زمان به ایران سفر کرده و تأمین بخش عمده‌ای از مایحتاج مدارس و طلاب آن را بسته به میزان وقفیات آن نهادهای آموزشی دانسته است (مرتضوی کاخکی و برامکی یزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). شاردن نیز بر مسأله وقف تصریح می‌کند و در خاطرات سفرش می‌گوید: «هر مدرسه‌ای که بنا می‌شود، مواردی از املاک و مستغلات را وقف آن می‌نمایند و خود بانیان مدارس، معمولاً حافظان و متصدیان عایدات موقوفات به شمار می‌آیند» (ریاحی، ۱۳۷۶: ۱۴۲).

در خراسان جنوبی و به ویژه سه شهرستان مورد مطالعه، موارد متعددی از وقف بر مراکز آموزشی سنتی و نوین وجود دارد. میرزا خانلرخان اعتصام الملک، نایب اول وزارت امور خارجه ناصری، در سفرنامه‌اش درباره موقوفات مدارس در جنوب خراسان در دوره قاجار این گونه بیان می‌دارد: «در منطقه قاینات سه مدرسه علمیه وجود دارد، یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند و دیگری در بلوک درخش. مدرسه قاین و بیرجند را از نزدیک دیده‌ام و اوضاع مدرسه درخش را نیز از آقا محمدعلی مجتهد درخشی که به دیدن من آمده پرسیده‌ام. به هر یک از این مدارس سالی هفتصد تومان از محصول املاک خودش، وظیفه طلاب می‌دهند» (اعتصام الملک، ۱۳۵۲: ۳۱۹).

وقف‌نامه‌های موجود نشان می‌دهد که ۷ مورد از ۲۰۶ مورد وقفیات زنان، مربوط به مکان‌های آموزشی، طلاب علوم دینی و حقوق معلم مکتب‌خانه و بیشترین موقوفات در این زمینه نیز مربوط به دوره قاجار است. بررسی پایگاه اجتماعی زنان واقفه در خصوص وقف بر مراکز آموزشی و فرهنگی نشان می‌دهد که اغلب این زنان وابسته به طبقه امراء محلی بوده و مورد مصرف بیشتر موقوفات آن‌ها نیز کمک به طلاب علوم دینی می‌باشد. این موضوع با افزایش مراکز علمی در دوره قاجار نیز ارتباط دارد به طوری که از این دوره با

تأسیس مدارس علمی جدید، در نقاطی همچون گل، خوسف، درخش و زهان، نیاز به پشتوانه مالی احساس و از طرف زنان املاکی بر مصارف مدارس و طلاب آن وقف می‌شود.

جدول شماره (۱) مشخصات موقوفات زنان در حوزه فرهنگ و آموزش

دوره	مورد مصرف موقوفه	کلاس پرونده سند	سال وقف (هجری قمری)	واقف
قاجار	حقوق معلم مکتب‌خانه	ر-۶	۱۳۳۵	بی بی رقیه
قاجار	مدرسه گل	ص-۲۸	۱۳۳۳	صبیبه‌های حاجی علی خان
زندیه	طلبه علوم دینی	ع-۱۳۹	۱۲۰۱	والده میرزا عبدالصمد
پهلوی	مکتب‌خانه اطفال یتیم و بی‌بضاعت در هریوند	ف-۱۱۰	۱۳۴۹	فاطمه بیگم بنت میرمحمد
قاجار	طلبه فقیر علوم دینی	ف-۱۳۱	۱۲۳۸	فاطمه خانم
قاجار	مدرسه قصبه خوسف و طلبه آن	و-۸	۱۲۲۴	والده آقا محمدخان
صفویه	طلاب علوم دینی مدرسه بیرجند	ع-۵۰	۱۱۴۲	عابده خانم

مأخذ: اسناد بازخوانی شده

رویکرد اجتماعی وقف

بر طبق اصول و موازینی که از قرن‌ها پیش برای موقوفات در نظر گرفته شده معمولاً ثروت‌های جامعه از یک طبقه به طبقات دیگر انتقال پیدا می‌کند و از مالکیت خصوصی به ثروت عمومی و عام المنفعه تبدیل و تغییر شکل می‌یابد و از منافع موقوفات، زمینه‌های توسعه علم، دانش، بهداشت و رفاه عموم مردم فراهم گشته و با عنایت به تنوع مصارف موقوفات می‌توان گفت تقریباً تمام نیازهای روز جامعه می‌تواند از این طریق تا حدی برطرف گردد (امیددانی، ۲۳۹: ۱۳۸۰). گرایش زنان به وقف را در حوزه اجتماعی می‌توان تا حدودی بر مبنای انگیزه‌های جامعه‌شناختی در قالب رفتار جمعی تبیین و تعریف کرد. شدت و ضعف گرایش به وقف در دوره‌های مختلف نیز با این مسأله مرتبط می‌باشد. عواملی همچون زمینه ساختاری، باور تعمیم یافته، بسیج برای اقدام و عملیات کنترل اجتماعی در مجالس روضه شکل می‌گرفت. در دوره معاصر نیز مجالس روضه‌خوانی و و سوگواری حضرت سیدالشهداء تا حدودی همان نقش را ایفا می‌نمایند.

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۱۱

Archive of SID

یکی از کارکردهای مجالس روضه را می‌توان مشارکت سیاسی زنان جهت تأثیر در سیاست‌های حکومت دانست مانند: تلاش زنان در دوره قاجار خصوصاً در نهضت قیام تنباکو، مقابله با تبعید مرجع تقلید خود (میرزای شیرازی) و در دوره‌های بعد تلاش آنان در بازگرداندن علماء از مهاجرت، جهت دایر کردن عدالتخانه (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۱).

در منطقه خراسان جنوبی نیز برگزاری مراسم عزاداری ائمه معصومین (ع)، همواره از منزلت والایی برخوردار بوده است و مردم به برپایی مراسم روضه‌خوانی اهتمام ورزیده‌اند. «امیر شوکت‌الملک در روز عاشورا به محل مدرسه شوکتیه که محل تشکیل دسته‌های مذهبی بود می‌رفت و با سر و پای برهنه در جلو صف، همراه آن‌ها راه می‌افتاد و تا محل اجتماع دستجات مختلف که معروف به تختگاه بود- می‌رفت و در آن‌جا در چادرهایی که برای همین منظور نصب شده بود توقف می‌کرد تا مراسم عزاداری به پایان می‌رسید (منصف، ۱۳۵۴: ۹۶). «... و شهرت دارد که در ایام محرم در بلوک قائن، صدوسی تکیه به اسم او تعزیه‌داری می‌شود و خرج هم از مال و محصول املاک اوست» (باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۹: ۵۳۸). در همان ایام رضاشاهی، که مردم روضه‌خوانی خود را قاچاقی و شبانه انجام می‌دادند و زن‌ها چادر به سر می‌کردند و شبانه از پشت بام‌ها خود را به روضه می‌رساندند، باز امیر شوکت‌الملک از تأثیر عاشورا غافل نبود. این نکته را مرحوم یغمایی بازگو می‌کرد که در همان ممنوعیت عزاداری، یک روز مرحوم ملک‌الشعراء بهار به شوکت‌الملک گفته بود: الحمدلله که دیگر ولایت شما هم برق دارد، هم آب دارد، هم سالن دارد، همه چیز هست، این که بعضی‌ها شکایت می‌کنند دیگر چه می‌خواهند. شوکت الملک گفته بود: آقای بهار این‌ها برق نمی‌خواهند، این‌ها محرم می‌خواهند، این‌ها مدرسه نمی‌خواهند، این‌ها عاشورا می‌خواهند. کرب و بلا را به این‌ها بدهید، همه چیز به آن‌ها داده‌اید (همان: ۴۶۰). به این ترتیب مجالس روضه‌خوانی و تعزیه، نمادی از پایداری و مبارزه بر ضد حکومت‌های جور و نشان‌دهنده ارادت توده مردم به خاندان نبوی است. در دوره‌های مورد بررسی از دوره صفویه تا دوره پس از انقلاب اسلامی ایران، موارد متعددی از وقف اموال در موضوعات متنوع اجتماعی وجود دارد. صرف اموال در زمینه برگزاری مراسم تعزیه و اطعام عزاداران، که مهم‌ترین و بیشترین موارد وقفیات اجتماعی را در بر می‌گیرد و در صدر همه موضوعات وقفی در این خطه قرار دارد، نمایانگر علاقه وافر مردم به ائمه معصومین علیهم‌السلام و زنده ماندن مراسم عزاداری و شعائر مذهبی است. سایر اسناد وقفی نیز نشان از دقت و توجه افراد به جنبه‌های گوناگون زندگی دارد؛ کمک به فقرا، مخارج حج نیابتی، تلاوت قرآن، صوم و صلاه واقف، رد مظالم به ارباب استحقاق، روشنایی معابر عبور و مرور مردم و همچنین

مساجد، خیرات، خمس و زکات و حتی موضوعی نظیر شرب اهالی و حتی توجه به شرب حیوانات از مواردی بوده که از نگاه واقفین پوشیده نمانده است.

جدول شماره (۲) توزیع مصارف موقوفات زنان در اسناد مورد بررسی

مورد مصرف	تعداد	درصد
تزیه داری حضرت سیدالشهداء و سایر ائمه	۱۴۲	۵۶/۸
مصارف حمام‌های عمومی	۲۸	۱۱/۲
مساجد و حسینیه	۲۲	۸/۸
کمک به فقراء	۱۹	۷/۶
تلاوت قرآن	۱۳	۵/۲
خمس، زکات و رد مظالم	۱۰	۴
وقف اولادی	۴	۱/۶
صوم و صلاه واقف	۳	۱/۲
سایر مصارف خیریه	۸	۳/۲
جمع	۲۴۹	۱۰۰

مأخذ: اسناد بازخوانی شده

وقف زنان در دوره صفوی

سده دهم هجری، سده پیدایی و استقرار نهاد وقف صفوی و دوران فرمانروایی شاه عباس یکم، دوره شکوفایی بخشی از این نهاد با کارکردهای مشخص داخلی و خارجی است. دوره پس از او تا روزگار شاه سلیمان، دوره استمرار حیات نهاد وقف در شکل نهادینه آن بود که تا عصر شاه سلطان حسین نیز استمرار یافت. دوره پس از سقوط اصفهان، دوره آشفتگی در نهاد وقف است. ساختار دینی ایران به طور کلی و ساختار دیوانی دینی به طور ویژه با موقوفات عصر صفوی و پس از آن پیوند داشت. شمار فراوان مدارس، مساجد، امامزاده‌ها، تکیه‌ها و سایر مؤسسات دینی و حتی غیردینی، در عمل از رده درآمد موقوفات اداره می‌شدند و به فعالیت می‌پرداختند که این امر به رونق علم و در همان حال زندگی آنان کمک می‌کرد (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷: ۳۷۹).

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۱۳

Archive of SID

گسترش نهاد وقف و موقوفات، تحت نظارت مستقیم حکومت بود. همراهی ساختار دینی با ساختار سیاسی صفوی آن چنان بود که سقوط فرمانروایان صفوی باعث آشفتگی ساختار دینی شد. به قدرت رسیدن صفویان، برتری طبقه جدید شیعی را در برابر طبقه سنی در پی داشت و به تدریج به نقش اجتماعی زنان این عصر نیز اثر گذاشت، این تأثیرات گاه باعث پر رنگ شدن فعالیت‌های مذهبی زنان می‌شد (حیدریان، ۱۳۸۸). به نوشته فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، زنان ثروتمند عصر صفوی در کارهای خیر و عام المنفعه از مردان دست و دل بازتر بودند، به طوری که بسیاری از کاروانسراها و ساختمان‌های عام المنفعه از صدقات زنان که معمولاً فقیرتر از مردان بودند، ساخته می‌شد (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۲۷-۱۲۸).

عصر صفوی علاوه بر این که عصر شکوفایی اقتصادی و بازرگانی ایران بود، توانست پس از سال‌ها آشوب و نابسامانی، آرامش و آسایش سیاسی و اجتماعی را برای مردم ایران به ارمغان آورد و همین مهم در بهبودی توان اقتصادی و مالی مردم تأثیر بسزایی داشت و به دنبال آن، مردم به خصوص اقشار پر درآمد جامعه توانستند نقش پر رنگ و جدی تری را در امور خیریه و عام المنفعه مذهبی و اجتماعی ایفا نمایند و اوقاف از همین موارد محسوب می‌شود (حیدریان، ۱۳۸۸: ۵۰).

دوران صفویه را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ اوقاف ایران و به ویژه در تاریخ «نهاد مدرسه» به شمار آورد. در این دوران شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول همه اموال، رقبات و املاک خالصه را وقف کرد و بسیاری از املاک، وقف مقاصد خیریه مخصوصاً وقف بقاع متبرکه به ویژه آستان مقدس امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) شد و به جهت گسترش بی‌سابقه اوقاف، تشکیلات وسیعی برای اداره اوقاف ایجاد شد. اما با روی کار آمدن صفویه همه بنیان‌های فرهنگی کشور دچار تغییر شد زیرا قبل از هر چیز دعوی فرهنگ خاصی است که سلسله صفویه را از سلسله‌های پیشین جدا می‌کند. یکی از عناصر فرهنگی خاص که تأثیر شگرفی روی فرهنگ عمومی زنان ایران گذاشت، مسأله عزاداری برای امام حسین (ع) و برپایی مجالس روضه خوانی بود به طوری که در شناخت هویت زن ایرانی معاصر، این عنصر را همواره باید مدنظر قرار داد (نرگسی، ۱۳۸۱).

هر چند سوگواری برای امام حسین (ع) از مدت‌ها قبل - از زمان ائمه (ع) - کم و بیش به صورت پنهانی و نیمه پنهانی وجود داشت و در زمان سلاطین آل بویه وسعت یافته بود، اما هیچ‌گاه تا قبل از روی کار آمدن صفویه به صورت یک نهاد اجتماعی قدرتمند در نیامد به طوری که با رفتن سلسله آل بویه، این سنت نیز رو به اضمحلال گذاشت. بنابراین با تغییر سیاست حکومت‌های محلی که در مناطق مختلف ایران

Archive of SID

حکومت را به دست می‌گرفتند تغییرات و دگرگونی‌هایی از نظر قوت و ضعف در مسأله اقامه عزاداری بر امام حسین (ع) روی می‌داد. با روی کار آمدن صفویه و تشکیل یک دولت مرکزی مقتدر و اهتمام و کوششی که در برگزاری عزای حسینی در داخل و خارج خانه و در مساجد، تکیه‌ها، بازار و... داشتند موجب شد تا عزاداری امام حسین (ع) به صورت یک نهاد اجتماعی در آید (شهرستانی، ۱۴۰۲: ۲۱۳-۲۱۵).

در مورد این سؤال که آیا قبل از دوره صفوی در خراسان جنوبی، موقوفاتی وجود داشته، سند مکتوبی در اختیار نیست یا حداقل نگارندگان به آن دسترسی نیافته‌اند و بر مبنای اسناد موجود در اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی که مورد بازخوانی قرار گرفته، وقف‌نامه امیر رفیع‌الدین را باید قدیمی‌ترین سند وقفی در خراسان جنوبی محسوب کرد. این وقف‌نامه مربوط به سنه ۹۲۰ هجری قمری است که یکصد و شصت فنجان آب و اراضی روستای دشت بیاض را بر مسجد جامع آن و مصارف خیر وقف نموده است (شاطری، ۱۳۸۶). در محدوده مورد بررسی از مجموع ۱۰۰۰ سند بازخوانی شده بخش مهمی از اسناد مربوط به زنان واقف است و به جرأت می‌توان گفت که تعدد موقوفات زنان در خراسان جنوبی یک استثناء در کشور محسوب شود. مشارکت زنان در انجام سنت حسنه وقف نشان می‌دهد که زنان یا به تنهایی ملکی را وقف نموده‌اند، یا موقوفات بوسیله یک زن و همسرش صورت گرفته و یا زنان شخص مورد وثوقی را برای مصرف موقوفات تعیین کرده و یا اموالی که ورثه آن زن نیز بوده، وقف نموده‌اند. از آن‌جا که حوادث گوناگون در طول سالیان متمادی می‌تواند موجب از بین رفتن و یا مغفول ماندن برخی از وقف‌نامه‌ها شده باشد، از مجموع وقف‌نامه‌های در دسترس بازخوانی شده زنان در سه شهرستان بیرجند، سربیشه و درمیان، اسناد وقفی خاص زنان ۲۰۶ مورد را شامل می‌شود. از این میان تنها وقف‌نامه عابده‌خانم که یک سهم و طاقه مزرعه شیرمهنج را وقف طلاب علوم دینی مدرسه بیرجند نموده است، مربوط به دوره صفویه می‌باشد که شاید به نوعی قدیمی‌ترین موقوفه زنان در این منطقه محسوب شود.

جدول شماره (۳) موارد مصرف موقوفات زنان در دوره صفویه (بیرجند، سربیشه، درمیان)

دوره صفویه	مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
	-	۱	-	-	۱

مأخذ: اسناد بازخوانی شده (وقف‌نامه عادی عابده‌خانم مربوط به سنه ۱۱۴۲ قمری به کلاسه پرونده ع-۵۰)

دوره افشار

نادر شاه در دوره اول حکومت خود در چهره یک واقف، توجهی ویژه به نهاد دینی و اوقاف داشت که نشانگر جلب حمایت نهادهای دینی و کسب مشروعیت سیاسی خود بود. در دوره دوم از مهم‌ترین اقدامات نادر شاه برای وصول به اهداف مذهبی و سیاسی دولتش، فرمان مصادره موقوفات و لغو پاره‌ای از مناصب نهاد دینی مرتبط با آن بود (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷: ۳۸۷). نادر در آخرین سال سلطنت خود فرمانی صادر کرد و اوقاف را از مردم گرفت و در نتیجه صدور این فرمان، عده متناهی از اوقاف را از مردم تحویل گرفتند و آن‌ها را به انضمام املاک خالصه در دفاتر ثبت اراضی که پس از آن معروف به «رقبات نادری» شد وارد کردند (لمتون، ۱۳۷۷: ۲۵۴). عمده‌ترین اقدام نادر در این زمینه ضبط املاک وقفی بود که اداره آن‌ها تا آن زمان در دست روحانیون قرار داشت (اشرفیان و آرنوا، ۲۵۳۶: ۷۲). او پس از تاج‌گذاری وقتی وارد قزوین شد دستور ضبط اوقاف را برای هزینه کردن درآمدهای آن جهت ارتش خود صادر نمود (براون، ۱۳۷۵: ۱۴۲). به این ترتیب بسیاری از وقف‌نامه‌ها پنهان و به تبع آن بسیاری از موقوفات مجهول شد. از سوی دیگر در جریان غارت افغان‌ها نیز بسیاری از اسناد اوقاف در آتش سوخت و به تدریج زمین‌های وقفی عملاً از حالت موقوفه بودن خارج شد (معراجی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). در محدوده مورد مطالعه وقف‌نامه‌ای توسط عصمت خانم والده محمد اسماعیل خان و با مورد مصرف برای رد مظالم در این دوره به ثبت رسیده است.

جدول شماره (۴) مصارف موقوفات زنان در دوره افشار (بیرجند، سربیشه، درمیان)

دوره افشار	مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
	-	-	-	۱	۱

مأخذ: اسناد بازخوانی شده (وقف‌نامه عادی والده عصمت خانم مربوط به سنه ۱۱۵۱ کلاسه پرونده ع ۴۷۹)

دوره زندیه

به رغم تلاش‌های نافرجام نادرشاه در تصرف موقوفات، کریم‌خان زند به احیای دوباره موقوفات پرداخت و به این منظور، وزیری منفرد و مستقل برای رسیدگی به امور اوقاف برگزید. تنها دوران حکومت کوتاه کریم‌خان دوران آرامش بعد از افشاریه بود و پس از آن بیشتر دوران تا روی کار آمدن حکومت قاجارها، دوران کشمکش میان طوایف مختلف بود.

جدول شماره (۵) موارد مصرف موقوفات زنان در دوره زندیه (بیرجند، سربیشه، درمیان)

دوره زندیه	مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
	۳	۱	-	۹	۱۳

مأخذ: اسناد بازخوانی شده

دوره قاجار

وقف را می‌توان یکی از عوامل مهم توسعه نظام اجتماعی و فرهنگی ایران در عهد قاجار دانست. در ایران به خصوص در دوره قاجار به دلیل نقش مسلط مذهب در زندگی مردم اگر اجرای هر نوآوری می‌خواست با موفقیت همراه شود باید از حمایت بزرگان مذهبی برخوردار می‌شد (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۴). در این دوره که عدم کفایت حاکمان باعث هرج و مرج و ضعف نظام اقتصادی شد، وقف رو به ضعف نهاد. هرج و مرج سیاسی و بی‌کفایتی حاکمان زمینه‌ای برای سودجویان به وجود آورد تا به غصب موقوفات و عواید آن‌ها بپردازند. از سوی دیگر فقر عمومی و نابسامانی‌های اجتماعی باعث شد بسیاری از واقفان برای نیازهایی چون درمان بیماران و دستگیری از مستمندان و ایتم وقف کنند (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷: ۴۰۵).

در دوران مشروطه با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نظارت بر اوقاف بیشتر شد و با گسترش ادارات و اهمیت دادن به ثبت موقوفات، حفاظت از موقوفات سهل‌تر و امکان تبدیل آن‌ها به املاک شخصی کمتر شد (لطیفی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴). در دوره قاجار مانند دوره صفویه، بیشترین نوع مصارف عواید موقوفات، مذهبی بود اما به جای مدارس علمیه و طلاب به اجرای مراسم مذهبی مانند عزاداری بها داده می‌شد و بیش از ۷۰ درصد وقف‌نامه‌ها برای عزاداری مذهبی به خصوص سیدالشهداء اختصاص یافته و مردم عادی برای مراسم مذهبی اهمیت بیشتری قائل بودند تا ترویج علوم دینی (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷: ۴۰۷). در این دوره، نیت وقف آموزشی بیشتر در قالب آموزش دینی می‌باشد زیرا در ایران تا تأسیس مدرسه دارالفنون و اعزام دانشجویان به اروپا به علوم دینی بیش از علوم عقلی اهمیت می‌دادند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۵: ۱۲۳-۱۲۴). واقفین این مدارس و نیز سایر مردمی که به امر وقف با انگیزه آموزشی در دوره قاجار اقدام می‌کردند، برای اداره این مراکز یعنی پرداخت حقوق استادان، طلاب و خدام، تعمیر و نگهداری مدرسه و غیره، مکان‌های تجاری، مسکونی، زمین، باغ، حقاچه و غیره وقف می‌کردند (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۱۷

Archive of SID

به جز مدارس علمیه که در زمینه علوم دینی در سطح بالا فعالیت می‌کردند، شکل دیگری از آموزش در مکتب‌خانه‌ها اجرا می‌شد. مکتب‌خانه‌ها دو نوع بودند یکی خصوصی که در منزل طبقات اعیان دایر می‌گردید و مخصوص فرزندان یک یا چند خانواده بود و نوع دیگر مکتب‌خانه‌های عمومی که تمام طبقات و خانواده‌ها می‌توانستند کودکان خود را به آن‌جا بفرستند (نجمی، ۱۳۶۴: ۴۰۴).

در عهد قجرها مانند عصر صفویه، قشرهای مختلف به وقف می‌پرداختند و انگیزه آن‌ها هم مختلف بود. یک قشر مهم زنان بودند، اگرچه در تاریخ رسمی دوران قاجار، زنان از حقوق قابل توجه اجتماعی برخوردار نبودند اما تعداد کثیری از موقوفات کوچک و محلی به ویژه در تهران در طول قرن ۱۹ و دوره قجرها به نام زنان ثبت شده است (مطعبه‌چی، ۱۳۸۷: ۶۶۴). از دوره قاجار شرکت زنان در مجالس عزاداری حضرت سیدالشهداء، پر رونق‌تر شد و در بسیاری از خانه‌ها مجلس سوگواری برپا می‌شد. مستوفی شرکت زنان در مجالس روضه‌خوانی را چنین توصیف می‌کند: «فعال‌ترین بعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار، شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود» (مستوفی، ۱۳۴۳: ۲۷۷-۲۸۶).

اگرچه در ابتدا کارکرد مجالس عزاداری تنها گریه و سوگواری بر واقعه کربلا بود و کسب اجر اخروی، نیت برای توبه از معاصی، دیدن رجال سیاسی، روحانیون و مراجع بزرگ و در کنار آن محظوظ شدن از لذت در جمع واقع شدن و مشارکت در طبخ غذا انگیزه‌های کوچک و بزرگی بودند که به حضور زنان در این مراسم قوت می‌بخشید (دلریش، ۱۳۷۵: ۷۳-۷۴)، اما به تدریج این مجالس برای زنانی که از حداقل امکانات آموزشی و فرهنگی در جامعه بی‌نصیب بودند به محلی برای اطلاع از معارف اسلامی، احکام دینی و آگاهی از مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شد.

با بررسی‌های انجام گرفته در زمینه موقوفات دوره قاجاریه، جهش بزرگی در زمینه وقف اموال به چشم می‌خورد و افراد خیر به خصوص بانوان، دارایی‌ها و املاک خود را در موارد متعدد و گوناگونی وقف نموده‌اند. در محدوده مورد مطالعه نیز از مجموع وقف‌نامه‌هایی که فقط زنان واقف بوده‌اند، تعداد زیادی از موقوفات مربوط به این دوره می‌باشد. از مجموع ۸ مورد وقف با کاربرد آموزشی، ۴ مورد در این دوره صورت گرفته است. همچنین از ۱۴۲ مورد وقفیات در خصوص مراسم عزاداری و تعزیه حضرت سیدالشهداء و معصومین علیهم السلام، ۱۰۷ وقف‌نامه مربوط به دوران قاجار می‌باشد که البته تعداد زیادی از این وقف‌نامه‌ها بر تعزیه امام حسین (ع) و اطعام عزاداران حسینی تأکید دارد. در سایر موارد وقفی نیز از ۸۳ مورد وقف بر کمک به فقرا، تلاوت قرآن، رد مظالم، مسجد، حمام، روشنایی معابر و... ۵۵ مورد مربوط به این دوره است.

جدول شماره (۶) موارد مصرف موقوفات زنان در دوره قاجاریه (بیرجند، سریشه، درمیان)

مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
۱۰۶	۴	-	۵۵	۱۶۵

مأخذ: اسناد بازخوانی شده

دوره پهلوی

دوره ۱۶ ساله حکومت رضاخان، دوره دشمنی جدی و علنی با فرهنگ و نهادهای سنتی است. دولت رضاخان سیستمی بوروکراتیک به وجود آورد که به آن امکان می‌داد بسیاری از حوزه‌های عمومی را کنترل کند. تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ برای اداره امور به دولت، قدرت تصمیم‌گیری وسیعی تفویض می‌کرد (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷: ۳۹۳).

دکتر محمدحسن گنجی در خصوص برپایی مراسم عزاداری سیدالشهداء در شهر بیرجند این گونه بیان می‌دارد: «در دهه اول ماه محرم هر سال در عمارت کهنه تعزیه‌خوانی راه می‌انداختند، در دهه دوم یعنی بعد از عاشورا، تعزیه‌خوانی در حسینیه یعنی محل مدرسه برگزار می‌شد. در روزهای تعزیه‌گردانی که بیرجندی‌ها به آن شبیه می‌گفتند، تعزیه در وسط حسینیه اجرا می‌شد و زن‌ها که همه در چادر سفید، غرفه‌های بالا و پشت بام را اشغال کرده بودند همه یکسان صحنه‌های شبیه را تماشا می‌کردند» (گنجی، ۱۳۸۹: ۱۷).

با روی کار آمدن حکومت پهلوی، از یک طرف به دلیل اهمیت کمی که حکومت به مذهب می‌داد و از طرف دیگر احساس نیاز به دانش و فن جدید برای رسیدن به رشد و توسعه، احداث و وقف مدارس علمیه (در تهران) رو به زوال گذاشت و به جای وقف این گونه مراکز، وقف مراکزی که آموزش در آن‌ها به روش جدید انجام می‌شد، رواج یافت. واقفان این دوره عمدتاً در این جهت حرکت کرده‌اند. این گونه وقف‌ها در قالب بنیادهای خیریه تجلی پیدا کرده است (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

جدول شماره (۷) مصارف موقوفات زنان در دوره پهلوی اول و دوم (بیرجند، سریشه، درمیان)

مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
۲۹	۲	-	۱۵	۴۶

مأخذ: اسناد بازخوانی شده

دوره پس از انقلاب اسلامی ایران

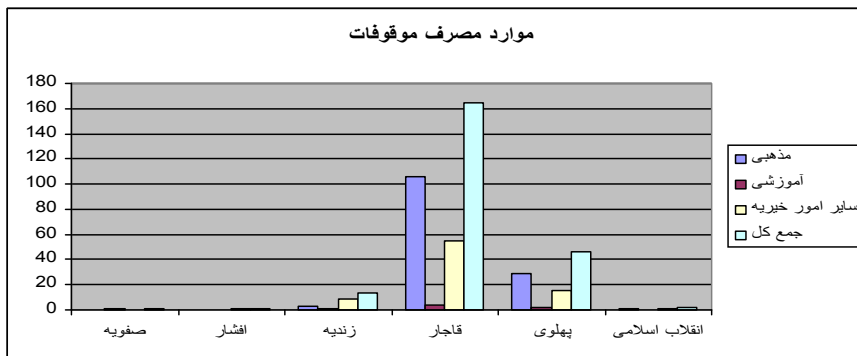
دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در زمینه وقف‌گذاری به سه دوره بازایی و کشف موقوفات گمشده، بازستانی موقوفات غصب شده و بازسازی و احیای موقوفات مخروبه تقسیم می‌شود (ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۷:۳۹۹). روند تأسیس بنیادها و مراکز خیریه چه به صورت وقف و چه به صورت غیر وقف که تنها هدف یا یکی از اهداف آن‌ها در خصوص امور فرهنگی است، در جمهوری اسلامی نیز تداوم یافته است (شاه‌حسینی، ۱۳۷۷:۱۱۶).

جدول شماره (۸) مصارف موقوفات زنان پس از انقلاب (بیرجند، سریشه، درمیان)

دوره پس از انقلاب	مذهبی	آموزشی	درمانی	امور خیریه و سایر موارد	جمع کل
	۱	-	-	۱	۲

مأخذ: اسناد بازخوانی شده (وقف‌نامه رسمی بیگم نوکندی مربوط به سال ۱۳۶۳ شمسی به کلاسه پرونده ب-۴۴ و وقف‌نامه

رسمی فاطمه وجیهه به سال ۱۳۵۸ شمسی به کلاسه پرونده ف-۱۲۸)



نتیجه

در دوره صفویه بیشتر طبقات مرفه جامعه، اموال خود را وقف امور خیریه می‌کردند و وقف به صورت پدیده‌ای عمومی شناخته نشده بود، اما در دوره قاجار که ثروت در دسترس اقشار گوناگون مردم قرار گرفت و سطح زندگی مردم ارتقاء پیدا کرد، سنت وقف نیز عمومیت و مقبولیت یافت. در این بین وقف بر تعزیه حضرت سیدالشهداء و اطعام عزاداران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که چه در

Archive of SID

سطح کشور، به طور عام و چه در پهنه خراسان جنوبی، به طور خاص و به ویژه سه شهرستان مورد بررسی، بیشترین حجم موقوفات مربوط به دوره قاجار است؛ به طوری که از مجموع موارد وقفی، بیش از ۷۰ درصد از کل موقوفات مربوط به این دوره می‌باشد. روند وقف زنان در محدوده مورد مطالعه نیز به تبعیت از جریان کلی حاکم بر کشور، آهنگی شتابان را در این دوره نشان می‌دهد و بیانگر آن است که سنت وقف زنان تحت تأثیر جریان‌های سیاسی، فرهنگی و مذهبی حاکم، زمینه رشد و توسعه را پیدا می‌کند. در همین دوره و به ویژه در دوره ناصرالدین شاه است که ساخت تکیه‌ها و حسینیه‌ها برای انجام مراسم تعزیه‌خوانی رونق می‌گیرد. در شهر بیرجند نیز حسینیه شوکتیه که بعدها به مدرسه شوکتیه معروف شد برای انجام مراسم مذهبی به ویژه در دهه اول محرم و مراسم خاص عاشورا مورد توجه عموم و به ویژه طبقه زنان قرار گرفت و برای نمایش پایگاه اجتماعی محلی مناسب گردید؛ به طوری که در منطقه قاینات آن روز در یکصد و سی تکیه به نام شوکت‌الملک عزاداری صورت می‌گرفت و از محل موقوفات هزینه آن تأمین می‌شد. همین روند الگویی برای روستاهای مختلف شد تا زنان هم به وقف اموالشان بویژه برای تعزیه داری حضرت سید الشهداء اقبال نشان دهند. شاید یکی دیگر از دلایل اقبال و توجه به وقف در بین زنان، مربوط به شرایط کلی کشور در مرحله نوسازی و یا ورود به دوره مدرنیزاسیون باشد که آزادی بیشتری را برای زنان به همراه داشته است. دوره پهلوی به دلیل سخت‌گیری‌های حکومت و کوتاهی در حفظ موقوفات و بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت، به نوعی دوره افول سنت وقف محسوب می‌گردد و به تبع این روند کلی در کشور از موقوفات زنان نیز کاسته می‌شود. بیشترین کارکرد موقوفات زنان در حوزه تعزیه‌داری سیدالشهداء ثبت شده است به طوری که از مجموع ۱۶۵ مورد مصارف مختلف، تعداد ۱۰۶ مورد فقط در دوره قاجار معادل ۶۴ درصد از کل مصارف، به این حوزه اختصاص یافته است. دوره پس از انقلاب اسلامی شروعی دوباره در این مقوله است و البته شکل نوینی از وقفیات به صورت مراکز خیریه و عام المنفعه ظهور یافته است. علی‌رغم توجه و احیاء سنت وقف، ما شاهد کاهش درخور توجه موقوفات به ویژه در بخش زنان هستیم که تعداد موقوفات آن بسیار اندک و تنها دو مورد در طول ۳۰ ساله اخیر به ثبت رسیده است. این نتیجه فرضیه‌های مختلفی را می‌تواند برای پژوهش‌های بعدی بیان نماید که چرا علی‌رغم این که در دوره بعد از انقلاب تفکر حاکم در راستای حمایت از این سنت حسنه بوده، تمایل به وقف در بین زنان کمتر شده است؟ آیا استقلال مالی و توانایی اقتصادی زنان نسبت به دوره‌های سنتی مورد مطالعه (قاجار و ماقبل) کم شده است؟ آیا مردان جایگزین زنان واقف گردیده‌اند؟ آیا الزامات دوره مدرن و پست مدرن ایجاب می‌کند که زنان در

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۲۱

Archive of SID

حوزه‌هایی به غیر از حوزه وقف به انجام امور خیریه پردازند؟ به هر حال آسیب‌شناسی این مسأله می‌تواند خود نتایج قابل تأملی را برای دست‌اندرکاران و متولیان وقف کشور در بر داشته باشد چرا که اگر بتوانیم نیمی از جمعیت واقفان را که همانا زنان می‌باشند با روش‌های مناسب، ترغیب و تشویق به وقف نماییم از قدرت مضاعف در بهره‌گیری از منافع وقف برخوردار خواهیم شد.

منابع

- احمدی، نزهت (۱۳۷۶) «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی»، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال ۵، شماره ۲۰ و ۱۹، صص ۹۸-۱۰۳.
- (۱۳۸۸) «نجات فرزند انگیزه‌ای برای وقف (تحلیلی بر وقف‌نامه مادر شاه سلیمان)»، دومین سمینار بین‌المللی زن در تاریخ اسلام.
- اسدیپور، حمید (۱۳۸۲) «بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف؛ نگاهی به دو وقف‌نامه از بانوان بوشهری»، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال ۱۱، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۱۲-۱۰۶.
- اشرفیان، ک. ز و م. ر. آرنوا (۲۵۳۶) دولت نادرشاه افشار، ترجمه احمد امین، ج ۲، تهران: شبگیر.
- اعتصام الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱) سفرنامه میرزا خانلرخان، به کوشش منوچهر محمدی، تهران: چاپخانه فردوسی.
- امام جمعه زاده، سیدجواد (۱۳۷۹) «نقش وقف در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۷۷-۷۰.
- امیددانی، سیدحسین (۱۳۸۰) نقش وقف در فرایند توسعه، مؤسسه انتشارات هجرت.
- باستانی‌باریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۹) از سیر تا پیاز، سفرنامه بیرجند، تهران: نشر علمی.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵) تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر)، ترجمه بهرام مقدادی، ج ۲، تهران: مروارید.
- حیدریان، زهرا (۱۳۸۸) «زنان واقف در عصر صفوی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص ۴۸-۵۹.
- خسروی، محمدعلی (۱۳۷۴) «موقوفات زنان در ایران»، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۷-۴.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد (۱۳۸۴) «موقوفات مرحومه انیس الدوله»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۵۰، سال ۱۶، صص ۲۰-۳۳.
- دلریش، بشرا (۱۳۷۵) زن در دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی هنر، سازمان تبلیغات اسلامی.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۱) «زنان و نقش مجالس سوگواری در دوره قاجاریه»، پیام زن، شماره ۱۳۲.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۷۶) «وقف پشتوانه نهادهای علمی و آموزشی در عصر اصفهان صفوی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۵، شماره ۲۰ و ۱۹، صص ۱۴۷-۱۴۰.

ریاحی سامانی، نادر (۱۳۸۷) «تحول نهاد وقف»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۳، تهران: انتشارات اسوه، صص ۴۱۲-۳۶۹.

شاطری، مفید (۱۳۸۶) «وقف نامه امیر رفیع الدین»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۱۴، شماره ۵۷، صص ۶۳-۵۶.
شاطری، مفید؛ جعفرزاده، طاهره (۱۳۸۷) «نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی و فرهنگی، مطالعه موردی شهرستان‌های بیرجند، سربیشه و درمیان»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۳، تهران: انتشارات اسوه، ۷۹-۱۲۱.
شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۵) «وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران: دوره‌های قاجار و پهلوی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۴۲، صص ۱۳۳-۱۱۷.

----- (۱۳۷۷) «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۴۸، صص ۱۱۹-۱۱۱.
شهرستانی، صالح (۱۴۰۲ ه. ق) تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم تا زمان ما در تمام کشورهای جهان، قم: عماد زاده.
طلایی، زهرا (۱۳۸۰) «دو موقوفه از زنان خاندان علم»، فصلنامه میراث جاویدان، سال ۹، شماره ۳۶-۳۵، صص ۱۱۴-۱۰۷.
فیگوترا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳) سفرنامه دن گارسیا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
گنجی، محمدحسن (۱۳۸۹) مرد جهانی از بیرجند؛ خاطرات ایام تحصیل دکتر محمد حسن گنجی، به کوشش غلامرضا سبحان، تهران: گیتا شناسی.

لطیفی، میثم؛ صادقی، سیدمحمد مهدی؛ حسینی، سید ابوالحسن (۱۳۸۷) «پرتوی از سیمای وقف در ایران اسلامی»، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لمتون، ا. ک. س (۱۳۷۷) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
مرتضوی کاخکی، مرتضی؛ برامکی یزدی، حجت‌اله (۱۳۸۷) «وقف پشتوانه نهادهای علمی در احیای تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۳، تهران: اسوه، صص ۱۹۰-۱۶۹.

مستوفی، عبدا... (۱۳۴۳) شرح زندگانی من، جلد ۱، تهران: زوار.
مطبعه‌چی، سیدمصطفی (۱۳۸۷) «جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، جلد ۳، تهران: اسوه، صص ۶۷۶-۶۵۲.

معراجی، سعید (۱۳۸۵) وقف سنت ماندگار، نشر صائین.
منصف، محمدعلی (۱۳۷۴) امیر شوکت الملک علم؛ امیر قائن، تهران: امیرکبیر.

مومنی، مصطفی (۱۳۶۴) «جایگاه وقف و وقف‌نامه در ساختارشناسی فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، مورد جغرافیای تاریخی شهرستان تفت در استان یزد»، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، به کوشش دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صص ۹۴-۲۵.

نجمی، ناصر (۱۳۶۴) طهران در عهد ناصری، تهران: عطار.

بررسی روند تغییرات و جایگاه موقوفات زنان از دوره صفوی تا عصر حاضر ۲۳

Archive of SID

ورنر، کریستوف (۱۳۸۷) «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، ترجمه نسیم مجیدی قهرودی، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال

۷، شماره ۲۸، صص ۱۱۵-۱۲۲.

یزدی مطلق (فاضل)، محمود (۱۳۸۰) «مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن»، فصلنامه وقف میراث جاودان، سال ۹، شماره

۳۶-۳۵، صص ۱۸۵-۱۹۲.